

خربزه قاتل

۱ فروردین ۱۳۹۵ ساعت ۲۲:۱۰

عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من که یکی از منابع مهم در مطالعه دوران قاجاریه محسوب می‌شود، دلیل به قتل رسیدن او را این‌گونه شرح می‌دهد: «در ایام محاصره شوشا، مقداری خربزه برای شاه آورده بودند

جوان و تاریخ: آقا محمدخان قاجار سرسلسله پادشاهان قجری است که زندگی‌اش با حوادث عجیب و جالبی گره خورده است، او که با بر انداختن سلسله زندیه به قدرت رسید، سرانجام در جریان لشکر کشی بیرون راندن سپاه روس‌ها از ایران کشته شد.

عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من که یکی از منابع مهم در مطالعه دوران قاجاریه محسوب می‌شود، دلیل به قتل رسیدن او را این‌گونه شرح می‌دهد: «در ایام محاصره شوشا، مقداری خربزه برای شاه آورده بودند که تحویل آبدار خود نموده و امر داده بود که هر وعده مثلا نصف یک دانه از آن‌ها را که یک ظرف می‌شود در سفره غذای او بگذارند. خربزه‌ها زودتر از حسابی که شاه داشته است تمام می‌شود.

شاه تاریخ روز آوردن خربزه‌ها و این‌که چند دانه آن به مصرف رسیده و چند دانه آن باید باقی باشد دقیقا تعیین می‌کند و از آبدار باقیمانده را مطالبه می‌نماید. آبدار هم نجات را در حقیقت گویی می‌پندارد و اعتراف می‌کند که با دو نفر از پیشخدمت‌ها آن‌ها را خورده‌اند.

شاه برای همین جرم، امر به کشتن هر سه نفر می‌دهد. بعد از آن که به خاطر او می‌آورند که شب جمعه است، اعدام آن‌ها را به صبح شنبه محول می‌نماید و چون محکومین به تجربه می‌دانستند که حکم شاه استیناف‌پذیر نیست، شب شنبه سه نفری وارد اتاق خواب او شده کارش را می‌سازند و جواهرهای سلطنتی را برداشته فرار می‌کنند.»

آقا محمدخان قاجار سرسلسله پادشاهان قجری است که زندگی‌اش با حوادث عجیب و جالبی گره خورده است، او که با بر انداختن سلسله زندیه به قدرت رسید، سرانجام در جریان لشکر کشی بیرون راندن سپاه روس‌ها از ایران کشته شد. عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من که یکی از منابع مهم در مطالعه دوران قاجاریه محسوب می‌شود، دلیل به قتل رسیدن او را این‌گونه شرح می‌دهد: «در ایام محاصره شوشا، مقداری خربزه برای شاه آورده بودند که تحویل آبدار خود نموده و امر داده بود که هر وعده مثلا نصف یک دانه از آن‌ها را که یک ظرف می‌شود در سفره غذای او بگذارند. خربزه‌ها زودتر از حسابی که شاه داشته

است تمام می‌شود. شاه تاریخ روز آوردن خربزه‌ها و این که چند دانه آن به مصرف رسیده و چند دانه آن باید باقی باشد دقیقا تعیین می‌کند و از آبدار باقیمانده را مطالبه می‌نماید. آبدار هم نجات را در حقیقت گویی می‌پندارد و اعتراف می‌کند که با دو نفر از پیشخدمت‌ها آن‌ها را خورده‌اند. شاه برای همین جرم، امر به کشتن هر سه نفر می‌دهد. بعد از آن که به خاطر او می‌آورند که شب جمعه است، اعدام آن‌ها را به صبح شنبه محول می‌نماید و چون محکومین به تجربه می‌دانستند که حکم شاه استیناف‌پذیر نیست، شب شنبه سه نفری وارد اتاق خواب او شده کارش را می‌سازند و جواهرهای سلطنتی را برداشته فرار می‌کنند.»

آدرس مطلب :

https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۱۷۷/قاتل_خربزه